

احکام تغییر جنسیت زوجین از دیدگاه فقه امامیه

احمد مراد خانی*، زهرا معماریان**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۶)

چکیده

تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل یا تغییر جنسیت یک فرد از مذکر به مونث یا از مونث به مذکر. در باب عبادات افراد تغییر جنسیت داده بصورت کلی می‌توان گفت که جنسیت فعلی فرد ملاک تعلق تکالیف است. لذا هر گاه فردی به زن تغییر جنسیت دهد احکام زنان بر او می‌شود. و هرگاه فردی به مرد تغییر جنسیت دهد احکام آقایان بر او می‌شود. در صورتی که فرد تغییر یافته سابقاً ازدواج کرده باشد به محض تحقق تغییر، عقد سابق باطل می‌شود. تغییر جنسیت زن به مرد سبب سقوط عده‌ها از او می‌شود و شوهر ملزم به پرداخت مهریه است اگر تغییر جنسیت وی قبل از نزدیکی باشد، مستحق نصف مهر خواهد بود و هرگاه پس از نزدیکی باشد، زن مستحق کل مهر خواهد بود. هر گاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ گاه بر کودکانش ولایت پیدا نمی‌کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جد پدری و در صورت نبود جد پدری، ولایت کودکان به عهده حاکم شرع خواهد بود. حق حضانت مادر با تغییر ساقط نمی‌شود، زیرا با تغییر جنسیت، صفت «انوثیت» از وی زایل شده است، نه صفت مادری.

کلیدواژگان

ارث، ازدواج، تغییر جنسیت، حضانت، مهریه، ولایت.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
** نویسنده مسئول: دانشجوی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، رایانامه: z.n.memaryan@gmail.com

مقدمه

تغییر جنسیت به معنای تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، به عنوان یک پدیده خارجی و نوظهور، زمینه‌ساز مباحث فراوان فقهی و حقوقی است. برتری مکتب فقه شیعه نسبت به سایر مکاتب فقهی، پویایی و انعطاف‌پذیری آن در رویارویی با مسائل نوپیدایی است که جامعه بشری با آن مواجه است، با توجه به واقعیت داشتن عمل جراحی تغییر جنسیت در مورد پاره‌ای از افراد، لازم است تکالیف فقهی آنها با توجه به شرایط و وضعیت جدید روشن شود چرا که در سراسر جهان و از جمله ایران افرادی بخاطر اختلالات جنسی مبادرت به عمل تغییر جنسیت می‌کنند تا از عذاب و رنجی درونی که از طرف خانواده و جامعه بر ایشان وارد می‌شود رهایی یابند. با توجه به اهمیت موضوع و نقشی که جنسیت و حقوق مترتب بر آن در زندگی اجتماعی بشر دارد و نیز نقشی که تغییر جنسیت در زندگی شخصی و خصوصی فرد ایفا می‌کند، اگر شخص درست و طبق استانداردهای پزشکی به جنس مخالف تغییر جنسیت بدهد، از حالت اضطراب و افسردگی خارج شده و به حالت نشاط و آرامش جنسی برمی‌گردد. بنا بر این نقش مهمی که جنسیت در زندگی شخصی و اجتماعی افراد دارد و با توجه به حقوق و احکامی که به هر یک از دو جنسیت مذکر و مؤنث تعلق می‌گیرد و احکام خاص هر جنس، ضروری است که موضوع تغییر جنسیت که در علم پزشکی موضوعی مسلم است از لحاظ فقهی و حقوقی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

موضوع تغییر جنسیت بصورت کنونی در آثار هیچ یک از فقهای متقدم مورد بحث قرار نگرفته است همین امر موجب گردیده تا این گروه از افراد مورد توجه قرار گرفته و فقهای متأخر آنها را دسته‌بندی کرده، احکام مربوط به هر گروه را مورد بررسی و توجه قرار دهند. اولین فقیه‌ای که در زمان متأخر درباره مباحث فقهی تغییر جنسیت فتوا داده‌اند امام خمینی (ره) در جلد دوم تحریر الوسیله ذیل عنوان مباحث مستحدثه بیان داشته‌اند و بعد از ایشان شاگردان ایشان طی مقالاتی به بررسی این مسئله پرداخته‌اند.

در همین راستا پرسش‌های فراوانی در مورد تغییر جنسیت و احکام زوجین پس از آن مطرح می‌شود. از جمله اینکه پس از انجام تغییر جنسیت، روابط زوجین در قبال یکدیگر چگونه است؟

آیا ازدواج همچنان پایدار باید باشد یا خود به خود، زن و شوهر از یکدیگر جدا می‌شوند؟ وضعیت زوجین که یکی از آنها، یا هر دوی آنها تغییر جنسیت داده‌اند، نسبت به فرزندان چگونه است؟ موضوع مهریه در این موضوع جدید چگونه خواهد بود؟ موضوع ارث در این وضعیت جدید چگونه خواهد بود؟

در این مقاله بررسی احکام تغییر جنسیت در زوجین از دیدگاه فقه امامیه بررسی گردیده است و به تمام این پرسش‌ها از همین دیدگاه پاسخ داده شده است.

تغییر جنسیت

در ذیل، ابتدا به تعریف تغییر جنسیت در لغت و اصطلاح پزشکی و فقهی پرداخته و در ادامه به بررسی اثر فقهی تغییر جنسیت در ازدواج پرداخته‌ایم:

تغییر جنسیت در لغت

تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل یا تغییر جنسیت یک فرد از مذکر به مونث یا از مونث به مذکر (صدر، ۱۴۴۲م، ج ۳، ص ۶۴۲).

تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی

هر گونه تبدیل، اصلاح و یا تغییر در جنس فرد به وجود آید، به گونه ای که وضعیت فعلی او را از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او، دارای تفاوت باشد، «تغییر جنسیت» صادق است (کریمی نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۴).

تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی

آیت الله علی مشکینی در این باره چنین می‌گوید:

عنوان تغییر جنسیت در مفهوم لغوی آن، روشن و آشکار است و غرض از آن بیان حکم شرعی مردی است که تغییر کرده و به زن تبدیل شده است، و نیز بیان حکم شرعی زنی که به مرد تبدیل شده است (مشکینی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۵۳).

همچنین آیت الله محمد آصف محسنی در این باره می‌گوید:

تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل مرد به زن یا بر عکس. در مورد اول، یعنی تغییر جنسیت مرد به زن، این گونه‌است که عضو تناسلی مرد برداشته می‌شود و به جای آن مهبل قرار داده می‌شود و نیز پستان‌ها بزرگ می‌شود. و در مورد دوم، یعنی تغییر جنسیت زن به مرد، این‌گونه است که پستان‌ها و دستگاه تناسلی زنانه نیز با عمل جراحی برداشته می‌شود و به جای آن آلت تناسلی مردانه قرار داده می‌شود. همراه با عمل جراحی در هر کدام از موارد فوق، روان‌درمانی و هورمون‌درمانی نیز صورت می‌پذیرد (محسنی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۱۱).

اثر فقهی تغییر جنسیت در ازدواج

در مواردی مرد یا زن پس از ازدواج، به دلیل بیماری یا هر دلیل دیگر، تغییر جنسیت می‌دهد. تغییر جنسیت چه تأثیری بر ازدواج دارد؟ اگر بعد از ازدواج و قبل یا بعد از وقوعه و برقراری رابطه جنسی یکی از آنان یا هر دو نفر تغییر جنسیت بدهند، تکلیف چیست؟ آیا ازدواج هم‌چنان به حال خود باقی بوده، می‌توانند به عنوان زوجین با یکدیگر زندگی کنند؟ و چه آثاری بر تغییر جنسیت بعد از ازدواج مترتب خواهد شد؟

نکاح در لغت به معنای تقابل است و در زبان هر گاه دو کوه در مقابل یک دیگر قرار گرفته باشند گفته می‌شود: تناكح الجبلان، یعنی دو کوه در مقابل هم واقع شده اند (معلوف، ۱۳۶۷، چ سوم).

در عمل، هنگامی که سر دفتر بخواهد نکاحی را واقع و ثبت کند، برای احراز اختلاف جنس به شناسنامه طرفین رجوع می‌کند و در صورتی که شناسنامه، حاکی از این اختلاف باشد می‌تواند عقد نکاح را جاری کند و آن را در دفتر رسمی ازدواج به ثبت برساند. البته ممکن است شناسنامه، گویای حقیقت نبوده و در واقع، عقد نکاح بین دو هم‌جنس بسته شده باشد. این نکاح بی‌شک باطل است. ولی برای ابطال سند نکاح و شناسنامه، باید به دادگاه رجوع کرد و دادگاه با ارجاع امر به کارشناس (پزشک)، اگر تشخیص دهد که طرفین هم‌جنس هستند، حکم به طلاق نکاح و ابطال سند آن و اصلاح شناسنامه می‌نماید.

چون اختلاف جنس را هم هنگام عقد و هم در دوران زناشویی باید شرط نکاح دانست و به عبارت دیگر، اختلاف جنس هم ابتدائاً و هم در ادامه شرط است. از این رو، آیا نکاح با تغییر جنسیت باطل خواهد شد یا خیر؟

ذیلاً این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد و البته بر فرض بطلان نکاح. این دادگاه است که باید تغییر جنسیت را براساس نظر کارشناس احراز و حکم به بطلان نکاح از تاریخ تحقق تغییر جنسیت کند (صفایی و امامی، ۱۳۷۴ش، ص ۴۵-۴۶).

اثر تغییر جنسیت در بقا یا عدم بقا ازدواج

اگر زنی تغییر جنسیت بدهد و مرد بشود، ازدواج از زمان تغییر باطل می‌شود؛ زیرا بعد از تبدیل شدن زن به مرد، ممکن نیست که زوجیت باقی باشد؛ چرا که ازدواج مرد با مرد یا زن با زن، مشروع نیست. بنابراین ازدواج به خاطر باقی نبودن موضوعش، باطل می‌شود.

اگر مرد بعد از تغییر جنسیت زن، جنس خود را تغییر دهد، نیز بحثی ندارد؛ زیرا به مجرد این که زن تغییر جنسیت داد، زوجیت بین آنها باطل می‌شود و اگر بعد از تبدیل شدن مرد به زن، زوجیت بخواهد برگردد، محتاج دلیل یا عقد جدید هستیم. امام خمینی (ره) می‌فرماید: ازدواج آن دو باقی باشد، اگر چه احوط (به احتیاط نزدیکتر) آن است که دوباره ازدواج کنند و زن فعلی با غیر مردی که قبلاً زن او بوده، ازدواج نکنند؛ مگر آن که با اجازه هر دو طلاق واقع شود (امام خمینی، ج ۲، ص ۵۶۴، مسأله ۴).

گاه زن و شوهر در زمان واحد تغییر جنسیت می‌دهند. در این که آیا ازدواج سابق پا بر جا باشد یا باطل شده است، دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: این که ازدواج سابق همچنان دارای دوام و بقا می‌باشد. توضیح این که، حقیقت ازدواج، زوجیت هریک، نسبت به دیگری است و نه بیش‌تر. در این صورت، تنها حالت و چگونگی آن، در قبل و پس از عمل جراحی تغییر کرده است (کریمی نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۲۶۱).

آیت الله محمد مومن در توضیح و توجیه احتمال باقی ماندن ازدواج، در صورت تغییر جنسیت همزمان زوجین، معتقد است:

بر فرض این که بر بقای عقد نکاح این زن و شوهر (در صورت همزمان بودن تغییر) قایل شویم، می‌توان آن را بدین ترتیب بیان کرد: حقیقت اعتبار نکاح، صرفاً عبارت از این است که هر کدام از آن دو، همسر دیگری است. پس از این رو، زن و شوهرند و نکاح به معنای همسری هر یک از این دو برای دیگری است. وانگهی، هر کدام از زن و شوهر، خصوصیات تکوینی خود را دارد که احکام خاصی بر آن مترتب است؛ همان‌گونه که هر کدام از آنان آثار طبیعی خود را نیز دارد و این امر، هیچ ناسازگاری با این موضوع ندارد که حقیقت نکاح اعتباری، صرفاً، عبارت باشد از زوجیت و همسری. بنابراین، اگر جنسیت زن و شوهر، در یک زمان تغییر کند، باقی ماندن زوجیت این دو امکان‌پذیر خواهد بود و اگر دلیلی بر رفع این زوجیت وجود نداشته باشد، استصحاب جاری می‌شود و اقتضای استصحاب، باقی‌ماندن زوجیت است (مومن، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۰).

احتمال دوم: این که ازدواج سابق دوام نداشته باشد، و در وضعیت جدید باطل گشته است؛ برخی فقیهان شیعه در بطلان ازدواج سابق که هر دو زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت داده‌اند معتقدند که ازدواج سابق را نمی‌توان بدون ملاحظه شرائط و ضوابط شرعی آن استصحاب کرد؛ چنان چه آن دو تغییر جنسیت دهند، نمی‌توان از نظر عقلی و شرعی ازدواج سابق را با اوصاف و ویژگی‌های خاص خودش (مانند: نفقه، مهریه، تمکین و...) استصحاب نمود (مطهری، ۱۴۰۳ق، ص ۲۶۷-۲۶۸).

با توجه به آنچه گذشت، رابطه بین زن و شوهر، از نوع «غیر متشابه الاطراف» است که این نسبت و رابطه، پس از تغییر جنسیت زوجین، از بین رفته‌است. بنابراین، عقد ازدواج سابق، باطل گشته و طرفین برای ادامه زندگی با یکدیگر، نیاز به عقد ازدواج جدید دارند (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

اثر تغییر جنسیت بر نفقه زوجه در عقد دائم

هر گاه بعد از ازدواج، مرد تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل، و پرداخت نفقه نیز واجب نخواهد بود (صدر، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۶).

ممکن است این پرسش مطرح شود که پس از تغییر جنسیت و در وضعیت جدید، درباره وجوب یا عدم وجوب نفقه شک و تردید داریم، از آن جایی که قبل از تغییر، پرداخت نفقه واجب بود، پس از تغییر نیز، استصحاب وجوب نفقه جاری می‌کنیم. بنابراین، مرد سابق هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه سابق خویش است (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸).

در پاسخ می‌گوییم: از شرایط اساسی استصحاب، «بقای موضوع» است. در این جا یقین داریم که موضوع «مرد وزن» عوض شده و در وضعیت جدید، شاهد وجود «دو مرد» یا «دو زن» هستیم. بنابراین، حکم نیز عوض شده است و مجالی برای استصحاب وجوب نفقه و سایر احکام زوجیت وجود ندارد (صدر، ج ۶، ص ۱۳۸ و ۱۴۵).

اثر تغییر جنسیت بر نفقه در عقد موقت

هر گاه در عقد موقت، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، این مسأله چه تأثیری در نفقه زوجه خواهد گذاشت؟

در عقد موقت، دادن نفقه از سوی زوج به زوجه واجب نیست. حال چنانچه، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، طبیعی است که در مسأله نفقه، تغییری به وجود نمی‌آید؛ چه این‌که، نفقه از ابتدا بر زوج واجب و لازم نبوده و پس از تغییر جنسیت نیز همین‌گونه خواهد بود.

هرگاه زوجه در عقد موقت، پرداخت نفقه را شرط کند و زوج آن را پذیرفته و براساس آن، عقد موقت منعقد شود، اعطای نفقه همانند عقد دائم واجب خواهد بود. در این حالت، اگر یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری بر نفقه خواهد داشت؟

طبیعی است که عقد موقت به دلیل تغییر جنسیت، فاقد موضوع شده و بنابراین، باطل خواهد بود. وجوب اعطای نفقه نیز از بین خواهد رفت، زیرا «نفقه» به عنوان «شرط» و «عقد موقت» به عنوان «مشروط» است. هرگاه مشروط منتفی گردد، شرط آن نیز از بین خواهد رفت (کریمی نیا، ۱۳۸۱، ص ۲۸۸).

اثر تغییر جنسیت در نفقه والدین

از نظر فقه اسلامی نیز هرگاه پدر یا مادر از نظر مالی ناتوان باشند، بر فرزندان وی که دارای توان مالی هستند، واجب است مخارج پدر و مادر را تأمین کنند.

اکنون این پرسش مطرح است هرگاه فرزند، اعم از پسر یا دختر تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری بر نفقه والدین آنان دارد؟

در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت فرزند، هیچ تأثیری در این حکم شرعی ندارد؛ چه این که این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن نیز تأثیری در این حکم شرعی ندارد. دلیل این امر آن است که تغییر جنسیت فرزند، وی را از عنوان «فرزند بودن» خارج نمی‌سازد. در هر حال، پسر یا دختر، چنان چه توان مالی داشته باشند، پس از تغییر جنسیت نیز لازم است نفقه پدر و مادر فقیر خویش را پرداخت کنند (کریمی نیا، ۱۳۸۱ش، ص ۳۳۲).

اثر تغییر جنسیت در مهریه

اثر تغییر جنسیت بر مهریه در عقد دائم

هرگاه عقد دائمی صورت گیرد و پس از آن تغییر جنسیت یکی از زوجین واقع شود، طبیعی است که ازدواج سابق منحل می‌شود. در مورد پرداخت مهریه، چهار احتمال (نظریه) وجود دارد که از این قرار است:

۱. احتمال نخست: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقاً، چه مباشرت صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوجه.

۲. احتمال دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقاً، چه نزدیکی صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت دهد یا زوجه.

۳. احتمال سوم: وجوب پرداخت کل مهریه در صورت نزدیکی و تنصیف در غیر نزدیکی.

۴. احتمال چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازه زوجه از زوج.

هر یک از احتمال‌های فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

احتمال اول آن است که به طور مطلق چیزی بر عهده زوج نیست، چه مباشرت صورت گرفته باشد و چه نه، نیز فرقی نمی‌کند که زوج تغییر جنسیت دهد یا زوجه. شاهد بر این امر، آن است که قرآن کریم از بسته شدن نکاح پیش از واجب شدن مهریه سخن گفته است:

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمَقْرِرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛ (بقره (۲): ۲۳۶).

اگر زنانی را که با آنان نزدیکی نکرده‌اید و مهری برایشان مقرر نداشته‌اید، طلاق گوید، گناهی نکرده‌اید. ولی آن‌ها را به چیزی در خور بهره‌مند سازید: توانگر به قدر توان خود و درویش به قدر توان خود. این کاری است شایسته نیکوکاران.

در این آیه شریفه طلاق، پیش از مهریه مقرر شده‌است و این امر نشان می‌دهد که نکاح پیش از مهریه بسته شده است.

احتمال دوم که عده ای از فقیهان شیعه بدان معتقد شده‌اند آن است که در صورت تغییر جنسیت و بطلان ازدواج سابق، زوج به پرداخت تمام مهریه موظف است؛ امام خمینی در این باره می‌گوید:

اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر جنسیت، باید تمام مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش، سقوط نصف مهر مشکل و قول به پرداخت تمام مهریه بهتر است. همچنین اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می‌شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنا بر اقوی باید بپردازد.

احتمال سوم در مورد مهریه آن است که گفته شود: هر گاه تغییر جنسیت یکی از زوجین، پس از مباشرت صورت گیرد، پرداخت تمام مهریه به عهده زوج سابق است و هر گاه تغییر قبل مباشرت صورت گیرد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهده زوج است و چنانچه زوجه، پیش از نصف را دریافت کرده است، لازم است مازاد را به زوج سابق بازگرداند.

قانون مدنی ایران به تبعیت از مشهور فقه، پرداخت کل مهریه را منوط به دخول می‌داند. در ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی، چنین آمده است:

هر گاه شوهر، قبل از نزدیکی، زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

احتمال چهارم، اگر تغییر جنسیت از سوی زوجه و بدون رضایت زوج صورت پذیرد، چیزی بر عهده زوج نیست؛ ولی اگر زوج تغییر جنسیت دهد، بایستی مهریه زوجه پرداخت کند. البته اگر تغییر زوج پس از مباشرت باشد، تنها نصف مهریه بر عهده وی خواهد بود (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴-۱۶۵).

به نظر می‌رسد که نظریه اول، یعنی «عدم وجوب پرداخت مهریه» واضح‌البطالان است و نظریه چهارم نیز از قوت کافی برخوردار نیست. از میان دو نظریه دوم و سوم، به نظر می‌رسد که نظریه سوم (پرداخت کل مهریه در صورت دخول و پرداخت نصف در صورت عدم دخول) متقن‌تر و موافق نظر مشهور فقیهان اسلامی است. البته همان‌طور که برخی فقیهان شیعه بیان کرده‌اند، احتیاط آن است که زوجین در مساله مهریه پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، با یکدیگر مصالح کنند (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۳۰۵).

اثر تغییر جنسیت بر مهریه در عقد موقت

یکی از تمایزهای اصلی نکاح موقت با نکاح دائم این است که مهر در نکاح دائم، رکن اصلی نیست، ولی در نکاح موقت، رکن اصلی محسوب است. از این رو، چنان‌چه در عقد موقت، مهر ذکر نشود نکاح باطل است.

برای مثال، ازدواج موقت میان مرد و زنی برای مدت شش ماه و به مهریه شش عدد سکه منعقد شده است. آن‌گاه مرد پس از اتمام ماه سوم، تغییر جنسیت می‌دهد. طبیعی است که ازدواج موقت باطل می‌شود، چون موضوع ازدواج که «مرد و زن» بوده، به «دو زن» تبدیل شده است. هم‌چنین مرد سابق موظف است تمام مهریه را به زوجه سابق خویش پرداخت کند؛ چه این که وی

خودش موجب بطلان ازدواج گشته است. تغییر جنسیت زوج، مانند انصراف زوج از ادامه ازدواج موقت و یا بذل مدت می‌باشد. هر گاه زوج در عقد موقت، بقیه مدت را بذل کند و به ازدواج موقت خاتمه دهد، موظف است مهریه بقیه ایام را نیز به زوج پرداخت کند. و هر گاه قبل از دخول، مدت را ببخشد و از ازدواج موقت منصرف گردد، باید نصف مهریه را پرداخت کند (نجفی، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۶۲).

چنان چه در عقد موقت، زوجه در بخشی از مدت، تخلف ورزد و از تمکین خودداری نماید، به همان نسبت از مقدار مهریه کاسته می‌شود (نجفی، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۶۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۶۶۳).

در ازدواج موقت به مدت تخلف از مهر برگردانده می‌شود؛ از این رو، اگر زن تغییر جنسیت دهد، بر او واجب است که به مقدار زمان تخلف، مهر را برگرداند. البته اگر زوجه با اجازه زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت داده باشد، ضامن نیست؛ زیرا در این صورت، خود شوهر بر آن اقدام کرده است و شاید اجازه دادن او به ابراء و بخشیدن مدت برگردد (خرازی، ۱۴۲۰ق، ش ۲۳، ص ۲۵۵).

اثر تغییر جنسیت در نگاه داشتن عده

عده در اصطلاح فقهی عبارت است از: مدتی که زن آزاد پس از جدایی از شوهر یا کسی که اشتبهاً با او نزدیکی کرده در حالت انتظار است؛ حال فرقی نمی‌کند علت جدایی طلاق باشد، یا فسخ نکاح یا موت یا بذل مدت و یا انقضای آن. و علت نگه داشتن عده برای زنی که رابطه زوجیت او منحل شده، جلوگیری از اختلاط نسبت است (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۴۴۷).

سوالی که اینجا مطرح است اینکه آیا پس از تغییر جنسیت و بطلان نکاح سابق، عده (مانند: عده طلاق یا عده فسخ) لازم است یا نه؟

اگر زوجین به دلیل طلاق یا فسخ نکاح یا انفساخ از یکدیگر جدا شوند، از دو حالت خارج نیست: یا این که قبلاً میان آن دو مباشرت وجود داشته یا نه. در صورت اول، زوجه لازم است پس از جدایی به مدت سه ماه، از ازدواج مجدد خودداری کند و پس از اتمام مدت عده، مجاز به

ازدواج مجدد است؛ اما چنان چه قبل از جدایی، میان آن دو، مباشرتی نبوده و آن گاه به دلیل طلاق یا فسخ از یکدیگر جدا شوند، زن می‌تواند بلافاصله با مرد دیگری ازدواج نماید و سپری کردن دوران عدّه، لزومی ندارد. البته «عدّه وفات» در هر حال لازم است، چه میان آن دو مباشرتی صورت گرفته باشد یا نه. هر گاه زن در دوران عدّه باشد، مانند: عدّه طلاق یا عدّه فسخ یا عدّه وفات و در این هنگام، تغییر جنسیت دهد، آیا لازم است که ازدواج مجدد وی، پس از اتمام عدّه باشد یا وی می‌تواند فوراً ازدواج کند؟ (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲-۱۷۵).

امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌گوید: لو تغییر جنس المرأه فی زمان عدّتها سقطت العده حتی عدّه الوفاه: اگر زنی در زمان عدّه تغییر جنسیت دهد، عدّه اش ساقط می‌شود حتی عدّه وفات (امام خمینی، ج ۲، ص ۵۵۹).

در سقوط عدّه فرقی نیست بین انواع عدّه‌ها: چه عدّه طلاق باشد، یا عدّه فسخ و یا حتی عدّه وفات. مهم‌ترین دلیل در این باره، تبدّل و تغییر موضوع است و این که عدّه، مخصوص زنان است. پس هر گاه موضوع عوض شود، حکم نیز عوض می‌شود. از این رو عدّه ساقط است (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷).

اثر تغییر جنسیت بر قرابت‌های سببی و نسبی و رضاعی

منظور از «عناوین نسبی» عناوینی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، و نیز پدر و مادر است. در تعریف نَسَب گفته شده است: نَسَب عبارت است از ارتباط دو نفر از طریق ولادت یکی از دیگری (مثل رابطه والدین و فرزندان)، یا دو نفر از یک منشأ واحد (مانند رابطه برادر و خواهر) (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۲۳۸؛ ج ۳۹، ص ۷).

پس از تغییر جنسیت، قرابت نسبی از بین نمی‌رود. چنان چه «فرزند» تغییر جنسیت دهد، وی هم‌چنان فرزند همان پدر و مادر است. به عبارت دیگر، رابطه یا نسبت «پدر و فرزند» و نیز نسبت «مادر و فرزند» در قبل و پس از تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند.

هرگاه برادر تغییر جنسیت دهد، خواهر می‌شود و هرگاه خواهر تغییر جنسیت دهد، برادر می‌شود. طبیعی است وقتی مرد به زن یا برعکس تبدیل می‌شود، عناوین آن نیز تغییر می‌کند. گویا

عناوین «برادر و خواهر» همانند «حکم» هستند که به تبع تغییر موضوعات (مرد و زن)، تغییر می‌کنند. همچنین را بطنه یا نسبت «پدر و فرزند» و نیز نسبت «مادر و فرزند» در قبل و پس از تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند (کریمی نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۳۲۰).

آن چه در مورد قرابت نسبی بیان شد، در مورد قرابت سببی و قرابت رضاعی نیز جاری است. برای مثال، قرابت یک شخص با برادر همسر یا خواهر همسر از نوع قرابت سببی است. پس هر گاه برادر همسر، تغییر جنسیت دهد، به «خواهر زن» تبدیل می‌شود و هرگاه خواهر همسر تغییر جنسیت دهد، به «برادر زن» تبدیل می‌شود. نیز در مورد «قرابت رضاعی» همین حکم جاری است. برای مثال، خواهر رضاعی پس از تغییر جنسیت به «برادر رضاعی» تبدیل می‌شود و برادر رضاعی پس از تغییر جنسیت به «خواهر رضاعی» تبدیل می‌شود (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۱۸۰).

اگر پدر تغییر جنسیت دهد، آیا عنوان «مادر» را پیدا می‌کند؟ و چنان چه مادر تغییر جنسیت دهد، آیا عنوان «پدر» را پیدا می‌کند؟

هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد، به «مادر» تبدیل نمی‌شود و نیز هر گاه مادر تغییر جنسیت دهد، به عنوان «پدر» شناخته نمی‌شود. زیرا هرگاه افراد جامعه با چنین فردی مواجه شوند، خواهند گفت: این «پدری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر زن است (نه مادر)؛ یا خواهند گفت: این «مادری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر مرد است (نه پدر) (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۱۸۲ و ۱۸۳).

برخی فقیهان شیعه به دلیل «عرف»، به عنوان دلیلی برای اثبات عناوین، اشاره کرده‌اند (امام خمینی (ره)، ص ۹۹۳، مسئله ۷).

از نظر شرعی، پدر کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود آمده باشد. پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر باید حالت سابق، یعنی زمان انعقاد نطفه را ملاحظه کرد و نه حالت کنونی. در مورد نسبت «مادر و فرزند» گفته می‌شود: مادر کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده است. با این توضیح، معلوم می‌شود که هر گاه پدر تغییر جنسیت دهد، زن فعلی، مادر محسوب نمی‌شود؛ چون فرزند از تخمک او به وجود نیامده است (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۱۸۳ و ۱۸۴).

اثر تغییر جنسیت بر حضانت کودکان

حضانت در لغت پروردن است و در اصطلاح فقه پرورش اطفال است به وسیله ابویین و اقارب او، که هم حق است و هم تکلیف. پرورش هم معنوی و هم اخلاقی. پرسشی که در بحث تغییر جنسیت مطرح است این است که هر گاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا هنوز هم اهلیت حضانت را دارا است یا نه؟ نیز هر گاه پدر در مدتی که حضانت طفل به او واگذار شده است به جنس مخالف تبدیل گردد و زن شود، آیا حق حضانت وی ساقط می‌شود یا نه؟ (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۱۹۸).

عنوان «پدری و مادری» از عناوین خاص بوده که با تغییر جنسیت عوض نمی‌شود و عرفاً عنوان «مادری» پس از تغییر جنسیت صادق است. علاوه بر این، مادر از نظر شرعی کسی است که فرزند از تحمک او به وجود آمده و در شکم وی رشد کرده و مادر، او را به دنیا آورده باشد. پس از تغییر جنسیت، این عنوان و ویژگی تغییر نمی‌کند. از این رو، با اطمینان بیش‌تری می‌توان گفت که تغییر جنسیت مادر، تأثیری در حق حضانت وی بر کودکان خردسالش ندارد. به عبارت دیگر، تنها «انوثیت» (زن بودن) مادر به وسیله تغییر جنسیت عوض شده و اکنون دارای صفت رجولیت (مردی) است؛ ولی با این وجود، عنوان «مادری» از وی زائل نشده است و نمی‌توان گفت با زوال صفت انوثیت، صفت «مادری» نیز زائل شده است. با این وجود، می‌توان این احتمال را بیان داشت که هرگاه به تشخیص دادگاه، مادر پس از تغییر جنسیت، فاقد صلاحیت لازم برای حضانت و نگهداری کودک باشد، این حق او سلب می‌شود و به پدر کودک که واجد صلاحیت است، واگذار می‌شود (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۳۴۲).

عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود و عرفاً شخص می‌تواند بگوید: این پدر من است که تغییر جنسیت داده و زن شده است و فرض آن است که حضانت کودک به پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است. علاوه بر این، از نظر شرعی پدر کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود آمده باشد و این با تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند.

احتمال دیگر، آن است که پدر با تغییر جنسیت خویش و تبدیل شدن به زن، از صلاحیت و

شایستگی لازم برای حضانت برخوردار نباشد؛ مخصوصاً اگر پس از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، با مرد دیگری ازدوج کند که از مفهوم ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، عدم صلاحیت وی به دست می‌آید. علاوه بر این، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی می‌گوید: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیّم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اقتضا کند.

با توجه به قرائن و شواهد فوق، می‌توان گفت: هدف از حضانت، حفظ و نگهداری کودک در سنینی است که شدیداً به حمایت معنوی و روحی و فکری نیازمند است. و با تغییر جنسیت پدر، این حمایت‌ها از بین می‌رود و با تشخیص دادگاه، مادر کودک یا شخص صالح دیگر، حضانت کودک را به عهده می‌گیرد (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۹۹-۲۰۰).

اثر تغییر جنسیت والدین بر ولایت کودکان

اثر تغییر جنسیت مادر بر ولایت کودکان

هر گاه جنسیت مادر تغییر کند و او به مرد تبدیل شود، در صورت نبود پدر و جد پدری، آیا بر کودکان ولایت پیدا می‌کند یا نه؟

در تغییر جنسیت مادر و تبدیل وی به مرد، عنوان «پدر» برای وی ثابت نیست، بلکه عرفاً گفته می‌شود: این شخص همان مادری است که مرد شده است (نه پدر) پس می‌توان گفت: ما علم داریم که عنوان «اب» حادث نشده است و لااقل در این امر شک داریم. در حالت شک می‌توان حالت سابقه را استصحاب کرد و حالت سابقه در فرض ما «نبود عنوان پدری» است. پس در حال حاضر هم عنوان پدری ثابت نیست و با انتفای عنوان پدری، عنوان ولایت نیز منتفی است. هر گاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ گاه بر کودکانش ولایت پیدا نمی‌کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جدّ پدری و در صورت نبود جدّ پدری، ولایت کودکان به عهده حاکم شرع خواهد بود (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۳۳۶-۳۳۷).

دلیل اول: ثبوت ولایت بر صغار برای عنوان پدر

ثبوت ولایت بر صغار به عنوان «اب» (پدر) است و مادری که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده، عرفاً به عنوان پدر شناخته نمی‌شود و مقتضای اصل (استصحاب) عدم ثبوت ولایت است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱؛ مومن ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۵-۱۱۶).

دلیل دوم: معنای پدر از نظر شرعی

از نظر شرعی، «پدر» کسی است که فرزند از منی او به وجود آمده باشد (الصدر، ۱۹۹۶م، ص ۱۱۵). و این عنوان بر کسی که فرزند را در شکم خود حمل کرده و سپس او را زاییده، صدق نمی‌کند؛ بلکه عرفاً مادر پس از تغییر جنسیت، همچنان به عنوان مادر شناخته می‌شود (مومن ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۵).

اثر تغییر جنسیت پدر بر ولایت کودکان

در حقوق اسلامی و فقه امامیه، پدر و جد پدری بر اطفال و کودکان تا رسیدن به سن کبر ولایت قهری و قانونی دارند و افراد غیر رشیر یا مجنون که سفه و جنون آنان متصل به زمان صغر باشد نیز تحت ولایت پدر و جد پدری خواهند بود (امامی، ۱۳۹۲، ص ۵۳۸).

اگر پدر کودکی تغییر جنسیت یافته و تبدیل به زن گردد و جد پدری نیز در قید حیات نباشد و یا به علت کهولت سن یا علل و عوامل دیگر قادر به انجام تکلیف ولایت نباشد، تکلیف ولایت قهری چیست؟ در پاسخ ممکن است گفته شود با تغییر جنسیت مرد و تبدیل شدن به زن چون این فرد خصوصیات و روحیه پدر بودن را از دست داده است، دیگر صلاحیت جسمی و اخلاقی یا روانی که لازمه برقراری تکلیف سرپرستی و تصدی به امر ولایت است را دارا نیست و نمی‌تواند بر فرزند خود ولایت داشته باشد و از طرفی دیگر اگر فرض بر این است که جد پدری در قید حیات نیست تا عهده‌دار ولایت قهری و قانونی باشد و یا اگر در قید حیات است قادر نیست امر ولایت را انجام دهد یا از نظر اخلاقی صلاحیت آن را ندارد، و از طرفی دیگر مادر بر فرزند ولایت ندارد. بنابراین در چنین وضعی می‌توان بر این باور بود که مانند حالتی که طفل یا محجور فاقد پدر و جد پدری است یا از دیدگاه شرع و قانون فرد تغییر جنسیت یافته صلاحیت

لازم برای تصدی ولایت نخواهد داشت که در این صورت لازم است از طریق دادگاه صالح اقدام به نصب قیم گردد و در واقع ولایت و سرپرستی چنین اطفال یا محجورینی به عهده حاکم خواهد بود که از طریق تعیین قیم و نظارت بر اعمال قیم، این تکلیف انجام می‌پذیرد (لنکرانی، ۱۳۷۷، مسأله ۳۶۵-۳۵۷).

تغییر جنسیت و سهم الارث

اثر تغییر جنسیت بر سهم الارث فرزندان از والدین

هر گاه فردی، جنسیت خویش را تغییر دهد، و آن‌گاه یکی از والدین وی فوت کند، آیا براساس جنسیت فعلی ارث می‌برد یا براساس جنسیت سابق؟

همه فقیهان شیعه که به این مسأله توجه کرده‌اند، ملاک ارث در این موارد را جنسیت فعلی فرزندان می‌دانند (امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۵۵۹). اگر شخصی پسر باشد و قبل از مرگ پدرش تغییر جنسیت دهد، مانند پسران ارث نمی‌برد، بلکه مانند دختر ارث می‌برد؛ لذا اگر مورث بمیرد و از او پسر جدید (بعد از تغییر جنسیت) و دختر جدید باقی بماند، مرد فعلی دو برابر زن ارث می‌برد (خرازی، ش ۲۳، ص ۲۵۹).

اگر بعد از مرگ پدر و قبل از تقسیم ترکه تغییر جنسیت صورت گیرد، آیا در پرداخت سهم الارث، جنسیت فعلی ملاک است یا جنسیت زمان موت مورث؟

به نظر می‌رسد در این حالت، باید جنسیت زمان موت مورث ملاک و مبنا باشد. چه این که فرد پس از فوت پدر یا مادرش تغییر جنسیت داده‌است. پس حقی برای وی ثابت شده است و تغییر جنسیت بعدی تأثیری در این مسأله ندارد. برای مثال، اگر پسر پس از فوت پدرش تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل شود سهم الارث وی همانند برادرش می‌باشد. نیز اگر دختر پس از فوت پدرش تغییر جنسیتی دهد و به پسر تبدیل شود، سهم الارث وی همانند خواهرش است (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۳۴۷).

اثر تغییر جنسیت بر سهم الارث والدین از فرزندان

هر گاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، زن فعلی چه میزان سهم الارث می‌برد؛ آیا بر اساس جنسیت فعلی یا بر اساس جنسیت سابق خویش؟ نیز هر گاه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، مرد فعلی چه مقدار سهم الارث از فرزند (میت) دریافت می‌کند؟ پدر و مادری که تغییر جنسیت داده‌اند، از فرزند (فوت شده) ارث می‌برند. امام خمینی (ره) و بقیه فقیهان اسلامی، اصل وجود ارث را پذیرفته‌اند (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۲۰۴).

تردیدی نیست که مرد فعلی و زن فعلی (مادر یا پدر تغییر جنسیت یافته) از جمله افراد «اولی الارحام» نسبت به میت (فرزند فوت شده) می‌باشند؛ پس، از اموال و حقوق مربوط به میت سهم الارث خواهند داشت (امام خمینی (ره)، ص ۲۰۳).

آن چه معیار قرار می‌گیرد تا شخص وارث میت محسوب شود، اقربیت در خویشاوندی نسبت به میت است و اقربیت پدر و مادر که تغییر جنسیت داده‌اند، هنوز ثابت است. پس طبق ضوابط، ایشان اولی به ارث بردن می‌باشند و حاجب طبقات بعد می‌شوند.

به نظر می‌رسد، میزان ارث پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده‌است، بر اساس «زمان انعقاد نطفه» است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، $\frac{2}{3}$ است، هر چند بعداً تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود و نیز برای مادر $\frac{1}{3}$ است، هر چند تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود. دلیل این امر آن است که به مقتضای کتاب، سنت و اجماع، ارث ثابت شده‌است و هیچ ملاکی برای تقسیم ارث باقی نمی‌ماند مگر «ملاک تقسیم به لحاظ زمان انعقاد نطفه» (کریمی نیا، ۱۳۹۱ش، ص ۲۰۸).

اثر تغییر جنسیت بر ارث اقارب طبقه دوم و سوم پس از تغییر جنسیت

اگر افرادی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله و دیگر اقارب و خویشاوندان که در طبقه دوم و سوم ارث، قبل از فوت مورث تغییر جنسیت دهند، جنسیت فعلی آنان ملاک تعلق سهم الارث آنان می‌باشد. اگر برادر تغییر جنسیت دهد، به خواهر تبدیل می‌شود و برعکس، نیز همین «تبدل عنوان» در عناوین «عمو، عمه» و «دایی، خاله» وجود دارد؛ یعنی هر عنوان، به قرینه آن

تبدیل می‌گردد. در تمام این عناوین، ملاک جنسیت فعلی است و در هر دو صورت، وارث بودن و مورث بودن صادق است (کریمی نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۳۵۶).

نتیجه

طبق بررسی‌های انجام شده در این تحقیق به نتایج زیر می‌رسیم:

۱. از ارکان ازدواج آن است که دو نفر از جنس مخالف با یکدیگر پیمان نکاح ببندند. هرگاه پس از تغییر جنسیت غیر همزمان، و در وضعیت جدید، موضوع ازدواج «مرد و زن»، تغییر کند و به موضوع جدید «دو مرد» یا «دو زن» تبدیل شود، ازدواج سابق باطل و منحل خواهد شد. چنانچه زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند، ازدواج سابق باطل گشته و طرفین برای ادامه زندگی با یکدیگر، نیاز به عقد ازدواج جدید دارند.
۲. چنانچه تغییر جنسیت یکی از زوجین، پس از مباشرت صورت بگیرد، تمام مهریه به نفع زوجه ثابت است و چنانچه قبل از مباشرت، تغییر جنسیت واقع شود، بنا بر اقوی باید بپردازد.
۳. هرگاه «نکاح دائم» وجود داشت و علاوه بر آن، تمکین (عدم نشوز) نیز موجود باشد، «وجوب نفقه» به عنوان یک حکم شرعی ثابت است و هرگاه یکی از آن دو شرط از بین رود، وجوب اعطای نفقه نیز نفی می‌شود. طبیعی است که پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، یکی از دو شرط، یعنی «ازدواج دائم» از بین می‌رود.
۴. هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ‌گاه بر کودکانش ولایت پیدا نمی‌کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جد پدری و در صورت نبود جد پدری، ولایت کودکان بر عهده حاکم شرع خواهد بود. هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد، تأثیری در ولایت وی ندارد.
۵. هم‌چنین تغییر جنسیت مادر، تأثیری در حق حضانت وی بر کودکان خردسالش ندارد. عنوان پدر پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود و عرفاً شخص می‌تواند بگوید: این شخص پدر من است که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است و فرض آن است که حضانت کودک به پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است.

۶. تغییر جنسیت پدر، وی را به عنوان «مادر» تبدیل نمی‌کند. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، وی به عنوان «پدر» شناخته نمی‌شود، بلکه می‌توان گفت: پدر پس از تغییر جنسیت، عرفاً و شرعاً هم‌چنان پدر است، اگر چه به زن تبدیل شده‌است. نیز مادر پس از تغییر جنسیت، هم‌چنان مادر است، اگر چه به زن تبدیل شده‌است.
۷. پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده، از فرزند (فوت شده) ارث می‌برد و رابطه توارث میان والدین و فرزندان قطع نمی‌شود. ملاک ارث بردن فرزندان از والدین جنسیت فعلی آنان قبل از فوت والدین است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۷ش، جامع المسائل، استفتائات، امیر، قم.
۲. امامی، اسدالله، ۱۳۹۲، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، میزان، تهران، چ اول.
۳. خرازی، سید محسن، ۱۴۲۰ق، تغییر الجنسیه، فقه اهل البيت عليهم السلام، سال ۴، ش ۱۳.
۴. صدر، السید محمد، ۱۴۴۲م، منهج الصالحین، دار الاضواء، بیروت.
۵. صدر، السید محمد، ۱۹۹۶م، ماوراء الفقه، دارالاضواء، بیروت.
۶. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۷۴ش، حقوق خانواده، دانشگاه تهرانف تهران.
۷. کریمی نیا، محمد مهدی، ۱۳۸۹ش، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیه السلام)، قم، چ اول.
۸. کریمی نیا، محمد مهدی، ۱۳۹۱، تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، عروج، قم، چ اول.
۹. محسنی، محمد آصف، ۱۳۸۲ش، الفقه و المسائل الطبیه، بوستان کتاب، قم.
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۱، حقوق خانواده، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۱، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۱۲. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱ش، مجموعه آرای فقهی قضائی در امور حقوقی، (نکاح)، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، قم.
۱۳. مشکینی، علی، ۱۳۷۷ش، مصطلحات الفقه، الهادی، قم.
۱۴. مطهری، احمد، ۱۴۰۳ق، مستند تحریر الوسیله (المسائل المستحدثه)، خیام، قم.
۱۵. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۷ش، المنجد، اسماعیلیان، قم، چ سوم.
۱۶. مومن، محمد، ۱۴۱۵م، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۱۷. نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام، دار الحیاء التراث العربی بیروت.